

تأثیر انقلاب اسلامی ایران در هویت بخشی به جوانان ایرانی

دکتر سید امیر مسعود شهرام نیا، مریم مسعودی نیا، علی ابراهیمی^۳

چکیده

بحث از هویت و هویت ملی در چند سال اخیر در کانون توجه پژوهشگران رشته‌های گوناگون در ایران بوده است. این موضوع از آن جهت حایز اهمیت است که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران زمینه‌های مناسب اجتماعی برای درک آن‌ها در جامعه‌ی ایران وجود نداشته و انقلاب اسلامی برای اولین بار زمینه‌ی بازسازی هویت ملی ایرانی، به ویژه برای جوانان را فراهم کرده است. بدین‌سان، مقاله‌ی پیش‌رو درصدد پاسخگویی به این سؤال است که انقلاب اسلامی با چه معیارهایی توانست در جهت هویت بخشی به جوانان ایرانی تأثیرگذار قلمداد شود. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که انقلاب اسلامی با توجه به در برگرفتن معیارهای دین اسلام، به عنوان کامل‌ترین دین در هویت یافتگی جوان ایرانی نقشی تعیین کننده داشته است. تا آنجا که جوانانی که از شاکله‌ی هویتی اسلامی ارزشمندی برخوردارند، در چالش‌های مهم زندگی دچار بن بست نمی‌شوند و راه و برون رفت از آن را می‌شناسند؛ ولی آنان که خود را گم کرده‌اند و از اصل خویش بازمانده‌اند، دچار بی‌هویتی، انحطاط و سقوط گرفتار می‌شوند. لاجرم، تقویت هویت ملی ایرانی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده است، مانند همه‌ی کارهای فرهنگی نیاز راهکارهای دقیق دارد تا بتواند در جایگاه یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی در عصر حاضر مورد ارزیابی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، هویت ملی، معیارهای دینی، جوانان ایرانی

۱- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

فرایند شکل‌گیری هویت آدمی از لحظه‌ی تولد شروع می‌شود و در روزگار نوجوانی و جوانی به اوج خود می‌رسد. انسان‌ها در فرایند شکل‌گیری هویت خود با مسائل و مشکلاتی مواجه‌اند و دغدغه‌هایی دارند. نیازها و پرسش‌های اساسی در زندگی آنان رخ می‌نماید و در این اندیشه‌اند که چگونه بیندیشند، چگونه باشند، چه باورها و معتقداتی داشته باشند و از چه کسانی تاثیر پذیرند و الگو گیرند. جایگاهشان در این جهان و جامعه کجاست و چه نقشی در این عالم و جامعه دارند؟ و پرسش‌هایی از این دست آنان را به فکر کردن وا می‌دارد. امروزه با رشد و گسترش علم و فناوری و فرایند جهانی شدن و بروز اندیشه و تفکر انسان محور، خطر بحران هویت جوانان به مشکلی جهانی تبدیل شده است. در ایران نیز به دلیل جوان بودن کشور از طرفی این مسئله وجود دارد و طرفی دیگر دشمنان بطور جدی به دنبال بی‌هویتی و شبهه افکنی و همچنین انحراف افکار دینی نسل جوان هستند. از این رو، پرداختن به نقش اسلام و انقلاب اسلامی ایران در هویت بخشی به جوانان، نهادینه کردن اندیشه اسلامی ناب و راهکارهای هویت بخشی به نسل جوان از ضروریات جامعه اسلامی ماست و این مقاله در صدد پرداختن به چنین موضوعی است.

مفهوم شناسی:**هویت**

واژه‌ی هویت یا **Identity** “از نظر لغوی به معنای هستی، وجود، ماهیت و سرشت است و ریشه‌ی لغوی آن از واژه‌ی «هو» گرفته شده است که اشاره به غایت، نهایت و کمال مطلق دارد و موجب شناسایی و تمایز خود از دیگری می‌شود (معین، ۱۳۷۷: ۲۵۹). در جامعه‌شناسی تعاریف مختلفی از هویت ارائه شده است. مانوئل کاستلز معتقد است: «هویت سرچشمه‌ی معنا و تجربه برای مردم است... برداشت من از هویت، در صورتی که سخن از کنش‌گران اجتماعی باشد، عبارت است از فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۲). احمد اشرف در تعریف «هویت»، این مفهوم را مجموعه‌ای از خصایل فردی و خصوصیات رفتاری دانسته که از روی آن فرد به عنوان یک گروه اجتماعی شناخته می‌شود (اشرف، ۱۳۷۲: ۸).

هویت بخشی

منظور از هویت بخشی ارائه راهکار و پاسخ‌گویی مناسب و منطقی مبتنی بر ایمان مذهبی و جهان‌بینی الهی به نیازهای گوناگون نسل جوان است و نیز کمک کردن

به آنان است برای یافتن پاسخ‌های درست به پرسش‌های مربوط به هویت؛ چرا که در دنیا چیزی همانند دغدغه‌های جوانی و پرسش‌های یاد شده برای جوان دلوپسی و نگرانی نمی‌آفریند. هویت‌یابی نسل جوان در گرو برطرف شدن این دغدغه‌ها، تامین نیازهای مشروع و یافتن پاسخ پرسش‌ها و دست یافتن به تصویری مبتنی بر ایمان از خویشتن، جامعه و جهان است، تا خویشتن خویش را دریابد، جایگاه واقعی‌اش را پیدا کند و نسبت به اجتماع، جهان آفرینش و اندیشه‌های ناب دینی احساس تعلق و وابستگی نماید، به شخصیتی مستقل، عزتمند و با ارزش دست یابد و در پرتو آن بتواند در نشیب و فراز زندگی به آسانی تصمیم بگیرد و جهت‌گیری معقول و مناسبی از خویشتن نشان دهد و از تشویش، اضطراب، سردرگمی، احساس پوچی و جدا افتادگی از نظام اجتماعی ایمن گردد.

فرآیند شکل‌گیری هویت

انسان موجودی با استعدادها و توانایی‌های بالقوه است که برای بالفعل سازی آن، نیاز به بستری مناسب دارد که این بستر خانواده و اجتماع است. بررسی‌ها نشان می‌دهند این دو رکن اساسی، نقش بنیادی در رشد و تحول انسان دارند و آنچه به فرد در این بستر، از دوران کودکی تا بزرگسالی آموخته می‌شود تا تعامل میان او و جامعه را برقرار سازد، هویت است. همچنین، بررسی‌های گوناگون نشان می‌دهند که خانواده بر اساس الگوها، انتظارات، پاداش‌ها، تنبیهات، شیوه‌های تربیتی و معیارهای مقبول جامعه را به فرد منتقل می‌کند و شکل‌گیری هویت در فرد را امکان پذیر می‌سازد. جامعه نیز تداوم روند مذکور را از طریق رسانه‌های گروهی، نهادهای آموزشی، گروه‌های همسال، گروه‌های مرجع و غیره به عهده می‌گیرد. علل القاعده، خانواده و جامعه در کارکرد هویت‌گیری افراد، همپوش یکدیگرند و در صورت ایجاد تعارض میان خانواده‌های مهاجر و جامعه میزبان، عموماً بحران هویت همراه دارد (حق پناه، ۱۳۸۱: ۹-۸). برخی از عوامل موثر در هویت بخشی افراد عبارتند از:

(۱) نهاد خانواده

خانواده بیشترین تاثیر را در هویت‌بخشی به نوجوانان و جوانان دارد، کسانی که از نعمت والدین و خانواده‌های مناسبی برخوردارند، ضمن حفظ تعادل روحی و روانی، زمینه رشد و تفکر و بینش آنان هماهنگ با سایر استعدادها می‌گردد. چنین افرادی به آسانی می‌توانند دوران پرمخاطره جوانب را پشت سر بگذارند و به تمام پرسش‌های مربوط به کسب هویت مستقل پاسخی درست دهند و در نتیجه، از تحیر و سردرگمی در پیش‌آمدهای زندگی در امان باشند. اگر این مسئولیت به هر دلیل در محیط خانواده مغفول واقع شود، روشن است که جوان نخواهد توانست در فرآیند هویت‌یابی به موفقیت درست یابد (یوسیان، ۱۳۸۴: ۱۰).

۲) نهاد آموزش و پرورش

پس از خانواده موثرترین عامل در تکوین هویت اشخاص، نهاد آموزش و پرورش است. اگر نهاد آموزش و پرورش بتواند الگوهای مناسبی به نوجوانان و جوانان ارائه کند، با آنان رابطه عاطفی برقرار نمایند، از برخوردهای خشک و مستبدانه و یا بی تفاوت پرهیزند، خواهند توانست آنان را به فرهنگ خودی، جذب کنند و زمینه‌ای مناسب برای هویت بخشی و هویت یابی را در آنان فراهم سازند.

۳) گروه همسالان

از جمله عوامل موثر در هویت بخشی جوانان گروه همسالان- یعنی دوستان و معاشران هستند که از نظر سنی و عقلی به یکدیگر نزدیک اند و وحدتی ناگسستنی میان خود برقرار کرده‌اند. این گروه به عنوان یکی از گروه‌های مرجع، نقشی مهم در ایجاد الگوهای رفتاری افراد دارد؛ به گونه‌ای که فرهنگی خاص و هویتی ویژه برای آنان پدید می‌آورد که همگی از آن پیروی می‌کنند. در صورتی که نقش خانواده، نهادها و دیگر مراجع در هویت بخشی، ضعیف باشد، گروه همسالان قوی‌تر عمل خواهد کرد (مهرجردی، ۱۳۸۱).

ابعاد هویت

هویت یابی در دوران نوجوانی و جوانی به موازات رشد فیزیکی، شناختی، عاطفی و اجتماعی اهمیت خاصی می‌یابد. این هویت یافتگی در ابعاد گوناگون فردی، اجتماعی- فرهنگی، ملی و دینی و مانند آن بروز می‌کند.

۱) هویت فردی

منظور از هویت فردی همان است که جوان در پاسخ کیستی خود به آن می‌رسد و پی می‌برد که «من» یا «خویشتن» کیست؟ چه نسبتی میان «من» و «غیر من» (جهان برون) وجود دارد؟ میان «تن» و «روان» من چه رابطه‌ای برقرار است؟ «من» در چه مواردی با «غیر من» مشابهت و همانندی دارد و در چه زمینه‌هایی از «غیر من» متمایز می‌شود؟ (شرفی، ۱۳۷۹: ۴۲). هویت فردی وقتی محقق می‌شود که جوان حقیقت خویشتن را بشناسد، به توانایی‌ها، استعدادها، نقاط قوت و ضعف و فراز و فرودهای خویش واقف گردد، خلاقیت خود را بارور کند، جنسیت خود را بپذیرد. برداشت‌های شخصی دوران کودکی خویش را صحیح نماید، نسبت به گذشته و آینده آگاه باشد، تضادهای درونی خود را حل کند، با خویشتن به وحدت برسد و هدف از زندگانی را بداند.

۲) هویت اجتماعی - فرهنگی

هویت اجتماعی عبارت از تعیین نسبت میان جوان و جامعه است؛ یعنی بداند که چه پیوندهایی با جامعه دارد، چه نقش‌ها و وظایفی در اجتماع دارد و جامعه از وی چه انتظاری می‌کشد. وقتی جوان از نظر اجتماعی به تربیتی جامع دست یابد، انگیزه‌هایش پرورش یابد و چون خویشتن را در برابر مردم و اجتماع مسئول بداند، وظایف اجتماعی‌اش را به خوبی انجام دهد و وقتی به قوانین عمومی و اجتماعی احترام بگذارد و در مواقع ضروری بتواند مصالح اجتماعی را بر مصالح فردی خویش مقدم کند، هویت اجتماعی او شکل گرفته است. علاوه بر هویت اجتماعی، هویت فرهنگی را می‌توان مجموعه یا نظامی از باورها، ارزش‌ها، رسوم و رفتاری دانست که اعضای جامعه به کار می‌بندند تا خود را با جهان و نیز با یکدیگر سازگار سازند (نگارش، ۱۳۸۰: ۳۶). مولفه‌ها و ویژگی‌های خاصی که فرهنگ یک جامعه را از جوامع دیگر مشخص و متمایز می‌کند، شناسنامه فرهنگی آن جامعه است. برخی از این مولفه‌ها عبارت‌اند از: تاریخ، اقتصاد، مقررات، زبان، هنر و ادبیات که هر یک می‌تواند معرف فرهنگ یک جامعه باشد. جامعه معمولاً بر اصالت هویت فرهنگی خویش تاکید دارد و می‌کوشد این مشخصه‌ها را حفظ و از آن دفاع کند.

۳) هویت ملی

هویت ملی را به عنوان احساس تعلق و تعهد به اجتماع ملی و کل جامعه که فرد در آن عضویت دارد تعریف کرده‌اند. در این تعریف، باورها، ارزش‌ها و هنجارها و نهادهای فرهنگی مانند زبان، دین، آداب و رسوم، ادبیات و ... جای دارند و تعلق خاطر افراد به این نهادها و رموز فرهنگی می‌تواند نشانه هویت ملی باشد و از این رو، هویت ملی هم به گذشته افراد وصل است و هم نگاه به آینده دارد (صالحی، ۱۳۸۵: ۹۳). رواسانی، هویت را عامل پیوند ملت دانسته و بر این عقیده است که همدلی و هم‌نفسی افراد یک ملت از داشتن هویتی مشترک ناشی می‌شود، بنابراین هویت ملی سبب وحدت یکپارچگی مردم می‌شود. هویت ملی هر فرد به صورت بخشی از کل هویتش در رابطه با جامعه‌ای که بدان تعلق دارد یا احساس می‌کند که تعلق دارد، شکل می‌گیرد (رواسانی، ۱۳۸۰: ۳۱).

۴) هویت دینی و اسلامی

واژه‌ی دین از نظر لغوی به معنی اتصال و ارتباط انسان با خالق تعریف شده است. در قرآن شریف واژه دین به معنای مختلف عام و کم و بیش خاص آمده است. از راه و روش گرفته شده تا شریعت، در هر صورت منظور از این واژه روش نزدیکی به خداوند، از مسیر و قالب تعیین تا شریعت، در هر صورت منظور از این واژه روش نزدیکی به خداوند، از مسیر و قالب تعیین شده او زیستن و عمل کردن و اطاعت و فرمان برداری کامل از اوست (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۵۴). هویت دینی برآمده از شخصیت دینی می‌باشد. بدون تلاش عملی جهت توصیف هویت دینی خاص، مباحث مربوط به هویت دینی منوط به خصوصیات و عوامل مرتبط با شخصیت دینی و اجتماعی خواهد بود. این مفاهیم به مفاهیم مذهبی به وجود آمده از پیام بنیادین و کلی مذهب، پیامبران و روحانیون شکل می‌بخشد (قریشی محمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۱). هویت دینی با خود دستاوردهایی دارد که عبارت اند از: جهت بخشیدن به زندگی، رویکرد مثبت به آینده، مقبولیت اجتماعی برخوردار از شان و منزلت ملکوتی و قابل تکریم، معنا بخشیدن به جهان و اظهار رضایت و افتخار از مسلمان بودن، تفکر در اعتقادات دینی، برخوردار از باور دینی روشن، باور به اینکه مراسم مذهبی رایج در جامعه ایران باعث آرامش و سلامت روحی مردم است، توکل بر خداوند و نیرو گرفتن از آن هنگام مشکلات، به زیارت اماکن مقدسه رفتن در هر فرصت ممکن، ایمان به اینکه اجرای آداب و رسوم دینی دارای اهمیت درجه اول است و بی ارزش دانستن اعتقادات قلبی دینی بدون انجام آداب رسمی دینی، احساس مباحثات از دوستی اهل بیت، عفت و پاکدامنی، دینداری و خداشناسی همه و همه از نشانه‌های هویت دینی نسل جوان شمرده می‌شود (شرفی، ۱۳۷۹: ۱۹۴). به نظر می‌رسد هویت دینی و اسلامی در مرتبه‌ای بالاتر از سایر ابعاد قرار دارد و می‌تواند در شکل‌گیری دیگر ابعاد هویتی فرد، نقشی اساسی ایفا کند. از این رو، با توجه به موضوع مقاله و آنچه که مورد نظر ما در این مقاله است، در صدد تبیین و ارائه راهکار برای نقش جامعه اسلامی در هویت بخشی دینی به نسل جوان ایرانی هستیم.

خاستگاه هویت دینی و اسلامی

ریشه و خاستگاه هویت اسلامی را باید در معنایی جست که شخص خود را با پیوند زدن به پیام آسمانی سلام تعریف می‌کند. برای یافتن چنین تعریفی از هویت اسلامی می‌بایست چگونگی شکل‌گیری نخستین جامعه اسلامی را در صدر اسلام جستجو کرد. جامعه اسلامی با نزول دعوت الهی و آغاز بعثت در سال ۱۳ قبل از هجرت آغاز گردید. اجتماع کوچک سه نفری پیامبر گرامی اسلام (ص) و دو نخستین

پیرو وی، علی(ع) و خدیجه(ع)، در هنگام نماز جماعت در کنار کعبه، اولین تجلی هویت اسلامی در مکه بود. کانون هویت جدید اسلامی نیز پذیرش و پیروی از دعوت محمد(ص)، آخرین پیامبر الهی بود. با گسترش مسلمانان و هجرت پیامبر گرامی اسلام(ص) به یثرب هویت اسلامی شکل تثبیت یافته ای پیدا می کند و حتی نام نخستین جامعه اسلامی به مدینه الرسول تغییر می یابد. در اینجاست که خط تمایز اسلام و شرک و کفر برجسته می گردد و عملاً نزول سوره کافرون در مکه و نیز آیه برائت در مدینه تجلی بخش تمایز مسلمانان از مشرکان می گردد. مسلمانان با نزول تدریجی قرآن هویت منسجم تری یافته و چگونگی زندگی اسلامی را با تعالیم پیامبر(ص) می آموزند. قرآن، شخص پیامبر(ص)، و سنت وی در عصر رسالت همگی مرزهای هویت مسلمانان را شکل می دادند. نفی محوریت تمایزات قبیله ای و قومی- نژادی و محور قرار گرفتن تقوا و ایمان، امت واحده اسلامی را شکل داد که تمایزات منطقه ای قومی در آن حاشیه ای بود.

با درگذشت پیامبر گرامی اسلام و بروز اختلاف میان مسلمانان طبق منطق تفاوت جهان شیعی و سنی هویت های متمایزی در درون گفتمان اسلامی یافتند. مبنای چنین تمایزی نیز نقش و جایگاه اهل بیت(ع) و جانشینی آنان از پیامبر گرامی اسلام بود. از منظر شیعیان آنچه در ساختار هویت اسلامی برجسته بود و سفارش اکید پیامبر گرامی اسلام را در پی داشت توصیه به همراهی قرآن و عترت در کانون حیات و هویت اسلامی است. تمسک به کتاب و عترت در سنت اسلامی نشانگر نقش کانونی آنها در ساختار هویت اسلامی است. هر چند پس از پیامبر(ص) خلافت اسلامی سعی نمود با ادعای جانشینی پیامبر(ص) قلمرو و هویت اسلامی را تجلی دهد، اما واقعیت این است که نهاد خلافت نتوانست عملاً بازتاب و جامع دو عنصر اصلی هویت اسلامی یعنی کتاب و عترت باشد و در نتیجه با جدا افتادن آن دو، هویت اسلامی نیز دستخوش بحرانها و ناخالصی هایی گردید که سرآغاز آن به نخستین روزهای رحلت پیامبر اسلام(ص) بر می گشت. البته در جهان شیعی بر خلاف جهان غالب سنی که کانون هویت اسلامی را پس از پیامبر(ص) در نهاد خلافت و شریعت یا سنت او می جست (بابی سعید، ۱۳۷۹: ۲۵۱)، شیعه بر عمل به توصیه ی پیامبر گرامی اسلامی اصرار می ورزید و هویت اسلامی را در قرآن و عترت جستجو می کرد. حدیث شریف نبوی در تاکید بر شناخت امام زمان را می بایست در این راستا توضیح داد. حدیث شریف ضرورت معرفت امام در کتب فریقین نقل شده است. طبق این حدیث پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمودند: من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة (النعمانی، بی تا: ۱۲۹)، یعنی هرآنکه از دنیا برود اما امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است. چنین تاکیدی بر شناخت امام زمانه، تاکیدی بر روایت ثقلین است و نشان

می دهد که معرفت امام کانون هویت اسلامی را تشکیل می دهد.

ورود اسلام به ایران و تکوین هویت دینی - اسلامی

اسلام آخرین دین ابراهیمی است که وارد ایران شد و تشابهات زیادی با سایر ادیان در ایران داشت که ویژگی های مشترکی با آنها داشت. ایرانیان برای نخستین بار در زمان حیات پیامبر در یمن با دین اسلام و مفاهیم و اندیشه های آن آشنا شده (ثلاثی، ۱۳۸۰: ۳۴۶) و تبادلات ایرانیان با اعراب موجب پذیرش سهل تر اسلام توسط ایرانیان شد. خلاصه آنکه نحوه ورود اسلام به ایران و گسترش آن نشان دهنده وجود زمینه های مشترک بین روحیه و خلیقات فرهنگی ایرانیان و دینداری آنان در طول تاریخ بوده است. پذیرش اسلام در ایران را نیز بایستی در همین زمینه و به دلیل سازگاری اسلام با وجود هویت دینی پر سابقه در ایران تحلیل کرد (حاجیان، ۱۳۸۸: ۲۶۸).

میارها و زمینه های تکوین هویت دینی و اسلامی در ایران معاصر

۱- نهضت های اجتماعی متکی بر دین:

جنبش های مهم در ایران معاصر، علاوه بر اینکه از نمادها و نشانه های مهم حضور دین در جامعه ایران محسوب می شوند، به خودی خود دامنه ی تاثیرگذاری دین را نیز توسعه و تعمیق بخشیده اند و در این جا بر بُعد دوم آن، تاکید می شود. به عبارتی، تمرکز بحث بر روی این نکته است که دین در این نهضت ها، جایگاه برجسته ای داشته و در توسعه و گسترش هویت دینی نیز موثر بوده است. این نهضت ها شامل نهضت تنباکو، نهضت مشروطه، نهضت ملی گرای صنت نفت، نهضت ۱۵ خرداد و نهایتاً انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و جنگ تحمیلی هشت ساله بوده است (حاجیان، ۱۳۸۸: ۲۷۲).

۲- نقش حضرت امام خمینی (ره) در احیاء هویت دینی:

به جرأت می توان گفت مهم ترین نقش برای احیاء هویت مذهبی در ایران معاصر بر عهده حضرت امام خمینی (ره) بوده است. مفهوم هویت فردی در اندیشه امام خمینی به بندگی خدا مرتبط است (صالحی، ۱۳۸۵: ۱۱۵). ایشان در سطح جمعی نیز سعی کرده با معرفی اسلام واقعی در قالب اسلام سیاسی، هویت ملی را در ذیل آن تعریف کند و در سطح عالی تر، ملل مسلمان را حول محور هویت دینی - اسلامی وحدت بخشد. امام خمینی تاکید اصلی خود را بر نظریه «بازگشت به خویشتن خویش» گذاشت که منظور از آن اسلام است. او هویت اسلامی را در مقابل ابرقدرت و غرب گذاشته و بر استقلال آن تاکید داشت. (حاجیان، ۱۳۸۸: ۲۷۴). انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و اندیشه های سیاسی ایشان نقطه ی مقابل تمدن

صنعتی و فراصنعتی سکولار یعنی جدا از دین و معنویات بودند، در واقع حضرت امام بر علیه این پدیده ها قیام کردند. از نظر ایشان، در جهان تحت اداره‌ی اسلام، از طریق اصل امت اسلامی می‌توان از دیدگاه‌های هویت ملی فراتر رفت. هویت، یک برداشت روانی- اجتماعی است و از این امر ناشی می‌شود که مردم در محیط و در رابطه با دیگران چه برداشتی از خود دارند. هویت مبتنی بر باورهای مشترک فرهنگی مردمی است که به طور تاریخی یک ریشه دارند. در درون چنین جستجوی وسیع تاریخی برای هویت و زندگی اجتماعی است که انقلاب اسلامی در کل و افکار سیاسی- دینی امام (ره) به ویژه می‌تواند مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفته و درک شود. امام خمینی (ره) با طرح بازگشت به هویت دینی و فرهنگ اصیل اسلامی، روح استقلال و توانایی مبارزه را در جامعه ایران دمید و مبانی فکری و فرهنگی لازم را برای احیای هویت اسلامی فراهم آورد. برای امام خمینی (ره) هویت یک پیش شرط برای حکومت اسلامی است و اسلام دینی است منوط به عدالت حقیقی، و مورد توجه کسانی است که تمایل به استقلال و آزادی دارند و مخالف استکبار و امپریالیسم هستند. هویت اسلامی بالاتر از سایر هویت‌های انسانی قرار دارد، هویتی که تحت پرچم اسلام پیش‌بینی شده است. تجدید حیات دین و هویت‌جویی اسلامی، آرمان محوری انقلاب اسلامی و امام (ره) محسوب می‌شود. تا آن جا که به صورت دعوتی عام و جهانی، همگان یعنی شرق و غرب را به هویت اصیل انسانی یعنی اسلام، فرا می‌خواند و پیوندهای جمعی و اجتماعات انسانی فی‌نفسه واجد ارزش و امتیاز نیست، بلکه اعتبار هویتی آنها به میزانی است که حق را در خود انعکاس می‌دهند. از منظر ایشان اسلام در کلیت و تمامیت آن هویت ایرانی را می‌سازد (کچویان، ۱۳۸۷: ۱۸۰). اسلام در تمامیت آن، یعنی بعضی از ابعاد اسلام از هویت ایرانی بیرون گذاشته نمی‌شود، این هویت نه تنها امکان جذب ویژگی‌های تجدد را باز می‌گذارد، بلکه به تقابل با هویت‌های قومی نیز نمی‌رسد. به علاوه در عصر پیدایش واحدهای فراملی امکان این را نیز فراهم می‌سازد که ایرانیان پیوندهای مستحکم و گرمی با دیگر مردمان در قلمرو تمدنی خود، یعنی جهان اسلام و همسایگانش دست یابند. اما فراتر از اینها اسلام به اعتبار این که هویت انسانی و نه قومی یا ملی است، امکانی برای جهان شده و ما را به آینده تاریخ می‌کشاند و هویت بشریت در این حوضیض تجدد به آن وابسته است.

۳- انقلاب اسلامی و هویت دینی:

یکی از رخدادهای بی‌نظیر قرن بیستم در صحنه‌ی تحولات سیاسی و اجتماعی، وقوع بی‌نظیر انقلاب اسلامی بود. تفاوت این انقلاب با انقلاب‌های بزرگ دنیا، تفاوت در هویت دینی مستقل بود. در انقلاب دینی، انقلاب از هویت دینی بر می‌خیزد و انقلاب‌ها به ندایی که از درون می‌شنوند، پاسخ می‌دهند و با خون خود درخت انقلاب را آبیاری می‌نمایند. هویت دینی در انقلاب اسلامی انسان‌ها را به ارزش‌های اخلاقی و

قوانین الهی پایند ساخت و انقلاب و مردم انقلابی را به ستم زدایی و عدالت خواهی سوق داد. اکنون برنامه‌ریزان فرهنگ غربی، پیوسته می‌کوشند که هویت دینی انقلاب اسلامی ما را تضعیف کنند تا بدین وسیله دیواری بلند بین دو نسل جدید و قدیم پدید آورند تا در سایه‌ی باور سوزی، سیاست شوم خود را بر این ملت عزیز تحمیل کنند و همگان را به صورت ابزاری در آوردند که در خدمت غرب باشند.

در هویت دینی انقلاب اسلامی، انسان‌های معتقد به وحی الهی، هر نوع سازش با ابر قدرت‌ها را بر خلاف ارزش‌های مسلم انقلاب دانسته و آن را رد کرده و سلطه‌پذیری استکبار را عار و ننگی ابدی برای خود تلقی می‌کنند. بنابر عقیده‌ی صاحب نظران اسلامی مهمترین ویژگی انقلاب اسلامی که آن را از دیگر حرکت‌های انقلابی متمایز می‌سازد، هویت دینی و رسالت فرهنگی آن است. این انقلاب عظیم مردمی و الهی، که برای پیشبرد اهداف و رسالت‌های خود بر ایمان و اعتقاد راسخ و قلبی توده‌های مومن و متدین تکیه دارد، با ارایه الگویی عینی و عملی از یک نظام سیاسی و اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های الهی و انسانی، از یک سو بسیاری از مدعیان دروغین اندیشه و فرهنگ را به چالش فراخواند و از سوی دیگر، چون بارقه‌ای امید بخش در ظلمت‌کده بی‌هویتی و لاقیدی شیفتگان فضیلت و پارسایی را نوید آزادی و رهایی داد. بدین ترتیب یکبار دیگر رویارویی همیشگی حق و باطل در نقطه‌ای از تاریخ به اوج خود رسید و در نبردی نابرابر، گل به مضاف گلوله رفت، خون در برابر شمشیر با صلابت و اقتدار ایستاد و ایمان و اعتقاد مخوف‌ترین تجهیزات نظامی و کشتار جمعی را به هیچ انگاشت تا جهانیان بزرگترین معجزه‌ی قرن را در «انفجار نور» با شگفتی و حیرت به نظارت بنشینند. آری، انقلاب اسلامی در چنین شرایطی به پیروزی رسید و استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و همراهی ناجوانمردانه و رذیلاانه داخلی خود از نخستین روزهای پیروزی انقلاب به مخالفت و مقابله با این پدیده شگفت‌انگیز دهه‌های پایانی قرن بیستم برخاست و برای نابودی آن از هیچ کوششی فرو گذار نکرد. رمز پیدایی و پایایی انقلاب اسلامی همان شاخص‌های روشن و بی‌بدیل فرهنگی و دینی است که چون سدی آهنین و نفوذ ناپذیر، تمامی توطئه‌ها و ترفندهای ویران‌گر و شیطنی آن‌ها را با شکست مواجه ساخته است. بنابراین دریافتند تنها راه مبارزه با نظام نوپا، اما پویای اسلامی، مبارزه‌ی فرهنگی و اتخاذ استراتژی فرهنگی است. این استراتژی با ایجاد تردیدهای فرهنگی، معبرهای امن و بی‌خطر نفوذ فرهنگی را به روی مهاجمان سر تا پا مسلح فرهنگی می‌گشاید، تا در یک هجوم گسترده و شبیخون فرهنگی، هویت دینی و اصالت فرهنگی انقلاب را به کلی تغییر دهد. طرح نظریه‌هایی از قبیل دهکده‌ی جهانی ارتباطات، جهانی‌سازی و جنگ تمدن‌ها توسط «هانتینگتون» در راستای همین استراتژی، قابل بررسی است و در این استراتژی دیگر تنها انقلاب اسلامی و خاستگاه

جغرافیایی و فرهنگی آن، هدف تهاجم نمی‌باشد، بلکه همه تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و همه ملت‌ها با همه آرمان‌هایشان در مذبح نوین جهانی و با توجیه جهانی‌سازی امور و با تکیه بر استیلای همه جانبه امپراتوری مخوف تکنولوژی، سرمایه و اطلاعات با بی‌رحمی تمام قربانی می‌شوند. ملت‌ها، هویت خود را از دست می‌دهند و فرهنگ‌ها صرفاً به عنوان میراث نیاکان به آرشیوهای باستان‌شناسی سپرده می‌شوند تا با حصول انقطاع فرهنگی بین نسل‌های جدید و نسل‌های پیشین، زمینه‌ی جایگزینی فرهنگ جدید، فراهم شود. با این همه، چالش اصلی منادیان نظم نوین جهانی با اسلام انقلاب و انقلاب اسلامی مقوله‌ی دیگری است، زیرا اینان به خوبی دریافته‌اند تنها فرهنگ اصیل و غنای فرهنگی اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - است که می‌تواند با قدرت و اقتدار، همه یافته‌های ذهن آنان را از هم باز کند و امیدهای واهی آنان را به ناامیدی مبدل سازد. به این ترتیب آن‌ها می‌خواهند با این تبلیغات، اسلام را نیز در کنار سایر ادیان به شکلی محدود و با رسالتی محدود بنمایانند تا دینداران مسلمان، جاودانگی احکام و رسالت جهانی اسلام را به کلی فراموش کنند و سرانجام به راحتی بتوانند با نسخه‌ی تسامح و تساهل با همسایگان مختلف در دهکده‌ی جهانی با مماشات و بی‌تفاوتی فارغ از هر نوع تعصب و غیرت دینی و فرهنگی مدنیت نوین را در تمدن مطلقاً مادی غرب تجربه کنند. تنها راه مقابله با این گونه شگردهای دشمن، بازگشت به خویشتن و هویت دینی - فرهنگی است. باید خود و فرهنگ اصیل خودمان را بشناسیم. جرج جرداق نویسنده‌ی معروف لبنانی می‌گوید:

من سال‌ها است نگران از بین رفتن ارزش‌های ملی کشورهای با هویت بوده‌ام. به اعتقاد من اگر بخواهیم مرض بی‌هویتی را، که مثل سرطان، پیکره‌ی جوامع شرقی را در بر می‌گیرد معالجه کنیم باید از خودمان شروع کنیم و از تبلیغات خودی، دریچه‌ای به دل‌های ملت‌ها مان بگشاییم، تا از آن منظر، روح رشادت و اراده‌ی مستحکم ملی را به پیکره‌ی جوامع تزریق کنیم و فرزندانمان را با هویت خودشان آشنا سازیم. من اعتقاد دارم اگر ما بتوانیم فرزندان خود را با تمدن و میراث فرهنگی خود آشنا سازیم و هویت فرهنگی شرقی را به آن‌ها بفهمانیم، هرگز از فرهنگ غرب با تمام ابزارهای متاثر نخواهیم شد (نگارش، ۱۳۸۰: ۱۷). بنابراین باید آگاهی‌های فرهنگی و باورهای دینی مردم، بویژه نسل جوان، عمیق‌تر و گسترده‌تر شود آنان باید بدانند در فضایی با سنت دینی کاملاً فرهنگی زندگی می‌کنند و منتسب به دینی هستند که بیش‌ترین سهم را در فرهنگ آفرینی داشته است و آن چه بیش از همه، هویت فرهنگی و ملی ما را تشکیل می‌دهد، اعتقادات اسلامی و به خصوص مذهب تشیع است که وجه بارز روح و بنیان‌های اجتماعی را متشکل و شاخص می‌سازد. پس باید به خود آیم و به خود و تاریخ و شناسنامه و نسبت تاریخی خود، افتخار کنیم و ندای بازگشت به

فرهنگ اصیل اسلامی را نه تنها در جامعه، بلکه در سراسر کشورهای اسلامی طنین انداز کنیم و کلام امام عارفان را آویزه‌ی گوشمان قرار دهیم، که فرمود: امروز، جهان تشنه‌ی فرهنگ اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - است و بحمد الله از برکت انقلاب اسلامی ایران، دریچه‌های نور امید به روی مسلمانان جهان باز شده است (صحیفه نور، ج ۲۰: ۲۳۵).

امروزه صاحبان فن‌آوری، با ابداع فرهنگ‌های مهاجم، در صدد مقابله با هویت دینی انسان‌ها بر آمده‌اند و هر گونه ارتباط قدسی را در عالم انکار می‌کنند، در حالی که بشر، به برکت ارتباط‌های روحانی و معنوی هزاران سال زندگی خویش را جلوه‌ی الهی بخشیده است. از این رو، نخستین رسالت مسوولان و دست‌اندرکاران مسایل فرهنگی جامعه، پیشگیری از کم رنگ شدن این ارتباط و در نتیجه از بین رفتن هویت دینی، در میان همه اقشار اجتماع، بویژه نسل جوان است. انقلاب اسلامی با احیای فرهنگ، تفکر و هویت دینی، شخصیت مردم بویژه نسل جدید و حضور فعال آنان را در صحنه‌های مختلف اجتماعی تثبیت و تضمین نمود. بدیهی است این دستاورد انقلاب هرگز دلخواه دشمنان و بیگانگان نبود و آنان در صدد ضربه زدن به انقلاب اسلامی برآمدند. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: نکته‌ی مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند؟ و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی مان نمی‌شناسند... ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیب‌مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لکه دار نمایند (صحیفه نور، ج ۲۰: ۲۳۷). هر چند گسترش فرهنگ دینی انقلاب هیچ گونه منافاتی با تمدن غرب نداشت، اما تضاد ذاتی بین فرهنگ مادی غرب و فرهنگ اسلامی، سیاستگذاران غرب را بر آن داشت تا به مقابله با فرهنگ اسلامی برخیزند. آخرین روش غرب در این رویارویی، استحاله‌ی فرهنگی جوانان و بی‌هویت ساختن آنان است. آگاهی دادن به جوانان و نوجوانان و ترغیب آنان به شناخت هویت دینی خویش، بهترین راه در امان ماندن از ضربات سخت و مهلک این تهاجم است. نوجوانان و جوانان با رو آوردن به معنویت و تثبیت هویت دینی در روح و روان خود، نه تنها از آسیب‌های فرهنگی مصون خواهند ماند، بلکه جامعه‌ی بزرگ اسلامی را نیز در فرهنگ‌سازی دینی، یاری خواهند کرد. پیروزی انقلاب اسلامی، به رهبری امام خمینی (ره) و برپایی نظام جمهوری اسلامی، که نوید احیای هویت دینی را به همراه داشت مرهون بلند نظری‌های آن عبد صالح خدا بود، رهبری که با همت والای خود به همگان ثابت کرد امتی بدون سلاح نیز می‌تواند با ایمان به خدای بزرگ بر

طاغوتیان پیروز شود.

یکی از مولفه‌های مهم اخلاقی در هویت دینی انقلاب اسلامی، مردم داری یا به عبارتی مردم سالاری است. مردم سالاری و اهمیت دادن به مردم در عرصه‌های گوناگون، مهمترین عامل تداوم انقلاب است، چنان که توجه نداشتن به جایگاه واقعی و ارزش قایل نشدن برای آنان آشکارترین اصل در فروپاشی و شکست انقلاب‌ها است. حضرت امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: جمعیت یا ملتی اگر بخواهند موفق باشند علاوه بر این که برای خدا باید کار کنند و از دیگران چشم‌داشتی نداشته باشند، باید با مردم باشند، بدون مردم نمی‌شود کارکرد و موفقیت حاصل نمی‌شود (صحیفه نور، ج ۷، ۱۵). از شاخصه‌های مهم سیاسی در هویت دینی، دشمن‌شناسی است. بی‌تردید اولین گام در مبارزه و مقابله با دشمنان قسم خورده، شناسایی آنها می‌باشد. بی‌تردید انقلاب بزرگی، همچون انقلاب اسلامی ایران که ریشه‌های حاکمیت طاغوت را از بیخ و بُن برکند، برای حفظ و تداوم حرکت خود باید دشمنان خود را به خوبی بشناسد تا بتواند در برابر حملات و شگردهای خاص آنان ایستادگی کند. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

از پیروزی انقلاب تا امروز همه‌ی تلاش امام عزیزمان - رحمه الله - و دیگر کسانی که در راه آن بزرگوار حرکت می‌کردند بر حسب امکان و توانایی و بینش، این بوده است که معلوم شود در دنیای امروز برای مسلمان‌های دنیا و جامعه‌ی اسلامی ایران و پایه‌های عدل و حق، چه تهدیدی از همه بالاتر و چه دشمنی از همه خطرناک‌تر است... نباید در شناخت دشمن اشتباه کرد نباید تصور کرد که دشمن از دشمنی با اسلام و مسلمین، دست برداشته است (پاسدار اسلام، ش ۱۲۹، ۱۶). با غلبه انقلاب اسلامی بر حاکمیت طاغوت، دشمنی آمریکا با توجه به از دست دادن منافع خود در منطقه چنان گسترش یافت که به عنوان دشمن اصلی انقلاب قلمداد گردید. امام خمینی - رحمه الله - می‌فرماید: «همه‌ی ملت ما، دشمن شماره یک خودش را امروز آمریکا می‌داند و آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان می‌باشد» (شیدائیان، ۱۳۶۸: ۱۳۷).

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «... در راس این خصومت، دولت متجبره و متجاوز آمریکا و پشت سر او قدرت‌های کوچک و بزرگی هستند» (پاسدار اسلام، شماره ۱۲۹: ۱۸). کوتاه سخن آن که آگاهی و شناخت دشمن از مهمترین عوامل تداوم مبارزه پیروزمندانه محسوب می‌شود. امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در طول نهضت همواره بر این نکته‌ی اساسی تاکید می‌ورزیدند و معتقد بودند چنان که شناخت و آگاهی، پیروزی را در پی دارد، غفلت و نداشتن شناخت نسبت به دشمن نیز زمینه‌ی استعمار را فراهم می‌کند. از دیگر شاخصه‌های هویت دینی، سازش ناپذیری است.

بی تردید سیاست «نه شرقی، نه غربی» انقلاب اسلامی - که به ابتکار امام - رحمه الله - در کشور اجرا گردید - باعث به وجود آمدن روحیه‌ی سازش‌ناپذیری ملت گردید، روحیه‌ای که به واسطه آن امت اسلامی حاضر شد. برای حفظ و حراست آرمان‌ها و اهداف متعالی نظام مقدس اسلامی از همه چیز حتی جان خود بگذرد. دفاع از کيان اسلامی و انقلاب اسلامی و ارزشهای آن را سرلوحه اهداف خود قرار دهیم. تا آنجا که از منظر امام (ره): این نزاعی که الان هست، بین ما و آمریکا نمی‌باشد، بین اسلام و کفر است. اگر خدای نخواستہ آمریکا غلبه کند، غلبه بر اسلام و مسلمین و بر مقدرات کشورهای اسلامی است (صحیفه نور، ج ۱۰، ۲۲۴).

با این نگرش اصولاً هیچ‌گونه مصالحه بین امت اسلامی و دشمن اصلی یعنی آمریکا میسر نخواهد بود. به قول امام - رحمه الله - رابطه آمریکا با ما، رابطه گرگ و میش است و باید از آن اجتناب کرد (صحیفه نور، ج ۱۰، ۵۸).

انقلاب اسلامی علاوه بر اینکه خود نشانه‌ای از زنده بودن هویت دینی ایرانیان داشت، موجب تقویت و انسجام هویت دینی در ایران شد. شعارها و تاکتیک‌های انتخاب شده در جریان انقلاب ماهیتی مذهبی داشت و رهبری و نمادهای انقلابی، نقش مهم تکایا و مساجد و روحانیت همگی حاکی از اهمیت مذهب در انقلاب اسلامی بود (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۲۸۱). اساساً ایدئولوژی و رهبری انقلاب از اسلام الهام گرفته شده بود. با پیروزی انقلاب اسلامی تغییرات بنیادی در زمینه‌ی کنترل نهادهای مذهبی، قانون و خانواده، مقررات و قوانین رایج در دستگاه قضایی و نظام آموزش بوجود آمد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۴۱) و دولت‌های پس از انقلاب به سرعت دست به کار بازگرداندن مذهب به صحنه‌ی هادی جامعه شدند. پروژه‌ی «اسلامی کردن» جامعه نیز تغییرات چشمگیری در ساختار سیاسی، حقوقی، فرهنگی و تا حدودی اقتصادی به وجود آورد (کاظمی پور، ۱۳۸۲: ۱۲).

۴- تاثیر نظام جمهوری اسلامی بر تقویت مذهب در ایران:

ماهیت و اساس نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر دین اسلام می‌باشد و این امر در تمامی منابع اصلی و مشروعیت بخش این نظام مشهود است. از جمله اینکه در مواد قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران بر آن تاکید شده است و بر این اساس ساختار و محتوای نهادهای مهم و تصمیم‌گیرنده‌ی قدرت سیاسی در ایران از جمله رهبری، مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان، قانون اساسی کاملاً ماهیت دینی دارند و این واقعیت به نوبه‌ی خود بر تمامی ساختارهای جزئی‌تر دستگاه فرهنگی، آموزشی، تبلیغی و رسانه‌ای تاثیرگذار بوده است. در نتیجه، عمده‌ی راهبردها و عملکردهای نظام سیاسی در خدمت دین و توسعه هویت در وجه دینی بوده است (حاجیانی؛ ۱۳۸۸: ۲۷۵).

نتیجه گیری

در این نوشتار، تأثیر و نقش انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری هویت جوان ایرانی با توجه به دین مبین اسلام مورد واکاوی قرار گرفته است. در این مقاله ضمن تبیین مفهوم فرآیند شکل‌گیری هویت و ابعاد آن، بر هویت دینی نسل جوان تأکید شد و دین اسلام به عنوان یکی از عوامل موثر در هویت بخشی معرفی شد و انقلاب اسلامی ایران آن را تحکیم بخشید. با توجه به استقرار حکومت دینی در کشور ما بیش‌ترین نقش هویت بخشی در کنار دیگر عوامل تأثیرگذار به نهاد دولت و نظام سیاسی-اجتماعی حاکم داده شد و در این راه، به برخی از راهکارهای هویت بخشی اشاره گردید. برای هویت بخشی به جوان ایرانی، و جلوگیری از بحران هویت و پوچی که دشمنان اسلام بدانال آن هستند همه امکانات کشور باید بسیج شود و همه نهادها، باید با نهاد دین هماهنگ عمل کنند. علاوه بر این می‌بایست شعائر اسلامی احیا شود، دین و معارف دینی به خوبی تبلیغ شود، و به مردم و جوانان در مسائل دینی، فرهنگی و سیاسی و به ویژه نسبت به استکبار جهانی و توطئه‌هایش در هویت زدایی دینی بصیرت و آگاهی داده شود.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
- اشرف، احمد (۱۳۷۲)، هویت ایرانی، تهران، فصلنامه گفت‌گو، شماره ۳.
- النعمانی، محمدبن ابراهیم (بی تا)، کتاب الغیبه، تصحیح علی اکبر الغفاری، تهران: مکتبه الصدوق.
- بابی، سعید (۱۳۷۹)، هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ثلاثی، محسن (۱۳۸۰)، جهانی ایرانی و ایران جهانی، تهران: نشر مرکز.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی هویت ایرانی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- حق پناه، جعفر (۱۳۸۱)، کانونهای بحران هویت در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷)، توسعه و تضاد، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
- رواسانی، شاپور (۱۳۸۰)، زمینه‌های هویت اجتماعی هویت ملی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران

- شرفی، محمدرضا (۱۳۷۹)، جوان و بحران هویت، تهران: انتشارات سروش.
- شیدائیان، حسین (۱۳۶۸)، آمریکا از دیدگاه امام خمینی (ره)، قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
- قریشی محمدی، فاطمه سادات (۱۳۸۹)، کنکاشی در هویت ایرانی (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- کاستلزو، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو، جلد ۲.
- کاظمی پور، عبدالمحمد (۱۳۸۲)، باورها و رفتارهای مذهبی در ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کچویان، حسین (۱۳۸۷)، تطورات گفتمان های هویتی ایران، تهران: نشر نی.
- معین، محمد (۱۳۷۷)، فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد ششم.
- صحیفه نور (۱۳۶۹)، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد هفتم.
- مهرجردی، مرضیه (۱۳۸۱)، وقتی جوان بر سر دو راهی بماند، روزنامه همشهری ۱۰/۱۲/۱۳۸۱.
- نگارش، حمید (۱۳۸۰)، هویت دینی و انقطاع فرهنگی، تهران: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع).
- یوسیان، نعمت الله (۱۳۸۴)، عوامل و راه های هویت بخشی به جوانان، تهران: نشریه مریان، شماره ۱۸.